

تأثیرات روحی-روانی مهاجرت بر فرد و خانواده



راضیه احسانی "سعادت"

مقدمه:

مهاجرت در دنیای امروز یکی از چالش‌های اساسی کشورهاست که توجه بسیاری از سیاستمداران، روانشناسان، اقتصاددانان و فعالان حقوق بشر را به خود جلب کرده است. نگاهی به گرافهای منتشر شده از سوی سازمان جهانی مهاجرت (UNHCR) نشان‌دهنده سیر صعودی مهاجرت اقشار مختلف در سنین و جنسیت‌های مختلف است. گسترش مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی است که بین دو واحد جغرافیایی انجام می‌گیرد (سجادپور، ۱۳۸۴: ۹). بر این اساس مهاجرت نوعی رفتار آگاهانه است که می‌تواند با اهداف مختلف مانند یافتن شغل خوب و پردرآمد، ارتقا سطح تحصیلی، رسیدن به آسایش و رفاه و گریز از جنگ و ناامنی صورت پذیرد.

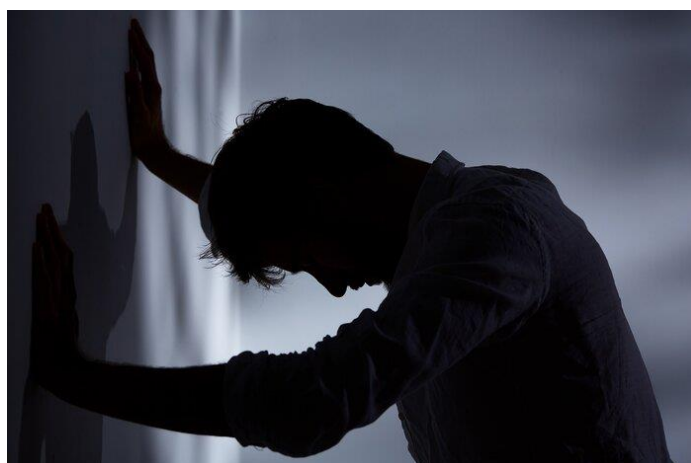
از سال ۲۰۰۰ میلادی بدین سو مهاجرت شهروندان افغانستان و تعدادی از کشورهای دیگر به کشورهای اروپایی بزرگترین موج تحرک و مهاجرت بوده است.

امروزه از هر ۳۵ نفر مرگ در جهان یک نفر در سرزمین دیگری غیر از زادگاه مادری زندگی می‌کند، از این رو سازمان ملل متحد قرن حاضر و مخصوصاً ۵۰ سال اخیر را عصر بزرگ‌ترین جابجایی انسانی در تاریخ تمدن بشری نامیده است. (www.un.org)

این در حالیست که مهاجرت و نقل مکان از جایی به جای دیگر از ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و روحی-روانی بر فرد و افراد مرتبط با وی (خانواده) برخوردار است. مهاجرین را بر اساس اهداف مهاجرت و وضعیت مدنی به چند دسته تقسیم می‌کنیم:

افراد مجرد: پسران یا دخترانی که به منظور رسیدن به موقعیتهای تحصیلی بهتر و آزادی بیشتر اقدام به مهاجرت خارجی به کشورهای دیگر میکنند.

افراد متاهل: مردان یا زنانی که متاهل هستند و به منظور کسب درآمد بیشتر و تامین زندگی خانواده خود به تنهایی اقدام به مهاجرت خارجی به کشورهای دیگر میکنند.



خانواده‌ها: خانوادهایی که به منظور دست یافتن به امکانات رفاهی، فرار از شرایط نا مساعد سیاسی و امنیتی و رسیدن به زندگی بهتر، بصورت دسته جمعی همراه با خانواده اقدام به مهاجرت میکنند.

افراد مجرد: عده ای از پسران یا دختران جوان برای دست یافتن به رویاهای خود مخصوصاً رسیدن به آزادی های بیشتر و یا فرار از فقر و کسب درآمد بیشتر اقدام به مهاجرت میکنند. آنها برای رسیدن به این خواسته هایشان از هیچ تلاشی کوتاهی نمیکنند تا حدی که مشکلات و خطرات قاچاق انسان را به جان میخرند. برخی از این جوانان در مسیر مهاجرت غیرقانونی مورد سوء استفاده های جنسی و خشونت قرار میگیرند که آنها را دچار افسردگی و تروما (ضربه روحی ناشی از حوادث ناخوشایند) میسازد.

مهاجرت غیر قانونی پسران و دختران جوان فقط به مسیر مهاجرت خلاصه نمیشود. آنها بعد از رسیدن به کشور مقصد برای دریافت قبولی خود باید مدتها تلاش کنند تا کیس شان قبول شده و شرایطی مانند آموختن زبان و دوره های کارآموزی، بدون سابقه جرمی را پشت سر بگذارند تا واجد شرایط پذیرش شوند که این روند حداقل سه سال و بیشتر از آن طول می کشد. برخی از آنان در حین سفرشان وقایع تلخ و تکان دهنده را تجربه می کنند مانند سوء استفاده جنسی، بیماری، دزدی و... پشت سر گذاشتن دوره درخواست پناهندگی، برای چنین افراد باعث افزایش افسردگی و تاثیرات شدید روحی و روانی می شود.

رامین (نام مستعار) جوان افغانیست که در ۲۶ سالگی از ایران به مقصد اروپا اقدام به مهاجرت کرد. او بعد از ۴۳ روز طی نمودن مسیر قاچاق به آلمان رسیده است. یک روز که خسته از وظیفه به اتاق مجردی اش برمیگردد تا استراحت کند، سروصدای پسر ۱۲ ساله همسایه که او نیز مهاجر است مانع استراحت او میشود. رامین از اتاق بیرون میشود و سر پسر همسایه داد و فریاد میکند و با عصبانیت او را تهدید میکند. مادر طفل، سرو صدای رامین را میشنود که طفلش را تهدید میکند، پس به پلیس شکایت میکند که رامین نام، فرزندش را تهدید کرده و او را ترسانده است. رامین بخاطر ایجاد وحشت برای یک طفل، ۶ ماه را در زندان سپری میکند. بعد از آزادی از زندان، شانس قبولی رامین به صفر میرسد و بعد از گذشت ۴ سال هنوز به عنوان پناهنده موقت در آلمان زندگی میکند. رامین از سوئی نگران قبولی خود است و از سوئی نگران بالا رفتن سنش بخاطر ازدواج است. طبق گفته هایش مادر پیری دارد که در ایران منتظر قبولی رامین است و برای ازدواج، او را تحت فشار گذاشته است. رامین بخاطر فشار روانی، چندین بار خواسته تقاضای دیپورت و بازگشت به افغانستان را کند اما دوستانش او را منصرف کرده اند. این تنها سرگذشت رامین نیست. رامین یکی از صدها و یا هزاران جوانی ست که چنین مشکلاتی را در مهاجرت تجربه میکنند.

چنین افراد برای حل مشکلات روانی خود پس از رسیدن به مقصد، شدیداً نیاز به مشاوره و حمایت های روانی دارند اما متأسفانه برای طی مراحل قانونی مهاجرت و پناهندگی شان مجبورند ماهها و یا سالها در محیط نا امن اردوگاه ها و یا کمپهای مهاجرین سپری کنند.

افراد متاهل: افراد متاهل شامل مردان یا زنانی هستند که دارای همسر و فرزندان هستند اما بدلیل بیکاری، شرایط نامناسب اقتصادی و فقر مجبور به مهاجرت میشوند. این مردان یا زنان چون قادر به پرداخت هزینه مسافرت همه اعضای خانواده نیستند، یا از ترس خطرات مهاجرت غیر قانونی، مجبورند خودشان به تنهایی راهی کشورهای دیگر شوند. برخی از این افراد به این امید هستند که بعد از رسیدن به کشور مقصد و قبولی، بتوانند پناهندگی دیگر اعضای خانواده شان را تنظیم کنند. این افراد در فرایند مهاجرت سه مرحله را تجربه میکنند که شامل مراحل قبل از مهاجرت، مرحله مهاجرت و مرحله بعد از مهاجرت هستند و به خودی خود از منابع ایجاد استرس به شمار می آیند.

در مرحله قبل از مهاجرت، فرد تصمیم می‌گیرد که خانه و کاشانه خود را ترک کند و این تصمیم سختی و مشقت اقتصادی یا سیاسی و غیره را در کشورش دارد. در مرحله مهاجرت خطرات جانی و سپردن جان خود به دست افراد ناشناس و متحمل شدن هزینه های سنگین و مرحله بعد از مهاجرت به استقرار یافتن و اداره کردن زندگی در یک کشور جدید مربوط می‌شود.



برای مهاجران زندگی در یک اجتماع جدید با چندین گویش زبانی می‌تواند استرس‌زا باشد، در نتیجه موانع زبانی می‌تواند دسترسی مهاجران را به استفاده از خدمات بهداشتی و سلامتی تحت تأثیر قرار دهد. بسیاری از مهاجران که اعضای خانواده‌شان را ترک کرده‌اند این جدایی از فرزند و همسر یا والدین بطور معمول باعث افزایش افسردگی در آنان می‌شود. (کتاب تأثیرات روانشناختی مهاجرت- ناهید فروزش فر)

یافته‌ها نشان می‌دهد افراد متاهلی که به تنهایی مهاجرت می‌کنند با مشکلات خانوادگی نیز مواجه می‌شوند. دوری از خانواده باعث می‌شود جانب مقابل که با فرزندان تنها رها شده است بار مسئولیت و مدیریت خانواده و فرزندان را متحمل شود. همسران به مثابه دو بال خانواده در کنار همدیگر براحتی و آرامش خاطر قادر خواهند بود از پس مشکلات اقتصادی، روحی برآیند. از سویی نیز فرزندان همزمان نیاز به دو الگوی تربیتی یعنی پدر و مادر دارند. فرزندان پسر در کنار پدر، مسئولیت و رفتارهای پدرانه را می‌آموزند و فرزندان دختر در کنار مادر، مسئولیتها و رفتارهای مادرانه را می‌آموزند. در نتیجه نبود یکی از والدین باعث شکلگیری شخصیت ناقص در فرزند می‌شود. در کنار این موضوعات نباید از آزارهای جنسی همسران غافل شد. تحقیقات نشان می‌دهد که برخی از شوهران، همسرانشان را به خانواده خود سپرده و اقدام به مهاجرت می‌کنند. از انجایی که در زندگی سنتی پدر، مادر و برادران شوهر همگی بصورت دسته جمعی زندگی می‌کنند محیط خانواده برای عروسهایی که شوهرشان مهاجرت کرده توسط برادر شوهر نا امن می‌شود. در بسیاری موارد گفته شده برادر شوهر، خانمی را که شوهرش در مهاجرت بسر میبرد مورد آزار جنسی قرار داده است.

خانواده‌ها: خانوادهایی که به منظور دست یافتن به امکانات رفاهی، جنگ و درگیری، آزار و اذیت و بلاهای طبیعی و یا رسیدن به زندگی بهتر، بصورت دسته جمعی همراه با خانواده اقدام به مهاجرت می‌کنند. مهاجرت به یک کشور جدید همیشه یک چالش است، اما مهاجرت با فرزندان خردسال پر خطر و نگران کننده است.

بر اساس گزارش سازمان ملل متحد از سال ۲۰۱۴ به بعد به صورت متوسط سالانه حدود ۳۲۰ کودک و جوان در حوادث مرتبط با مهاجرت جان خود را از دست داده و یا ناپدید شده‌اند. همچنین در این گزارش آمده است از هر ۴۵ پناهجو یکی در هنگام عبور از مدیترانه غرق می‌شوند. (www.un.org)

در امارهای ارایه شده به وضوح میتوان به آسیب پذیر بودن خانواده در مسیر مهاجرت پی برد. اما بعد از رسیدن به کشور مقصد مشکلات رنگ دیگری بخود میگیرند. برخی از خانواده‌های دارای فرزند نوجوان، پس از مهاجرت گاه چالش‌هایی با نوجوان‌شان خواهند داشت، زیرا دوره نوجوانی دوره‌ای است که فرد در مرحله هویت یابی است که در این مسیر گاه دچار تعارضاتی می‌شود. نوجوانان حتی در جامعه‌ای که در آن رشد کرده‌اند، نیز ممکن است بحران‌های درونی و تعارضات با خانواده را تجربه کنند. یکی از سخت‌ترین چالش‌های خانواده‌ها پس از مهاجرت، تغییرات رفتاری نوجوان و تمایل او به هم‌رنگی با جامعه و فرهنگ جدید است که اگر والدین با اصرار و پافشاری بخواهند قوانین و ارزشهای خود را تحمیل کنند نوجوان میتواند با شکایت از والدین به مراجع قانونی سرپرستی خود را از والدین لغو کند. از طرفی نیز والدین نمی‌توانند عرف و ارزشهای دینی شان را براحتی نادیده بگیرند. همچنین حدود مرادوت و ارتباط با جنس مخالف، نوع و مکان سرگرمی و تفریح فرزندان از مواردیست که باعث ایجاد تعارض بین فرزندان و والدین در دنیای مهاجرت میشود.

از بحث بحران شخصیت فرزندان که بگذریم حتی همسران نیز دچار چنین تعارضاتی می‌شوند. تمایل به هم‌رنگی با محیط و فرهنگ جدید، نوع پوشش و ارزشهای همسران را نیز ممکن است تحت تاثیر قرار دهد که این موضوع گاه‌ها برای طرف مقابل و اکثراً شوهر قابل قبول نیست.

مشکل دیگر در مورد مشکلات زوجین پس از مهاجرت است. گاهی زن و شوهر اختلافات حل نشده‌ای از دوره زندگی در مکان مبدأ دارند که ریشه‌ای و اساسی حل نشده باقی مانده است. پس از مهاجرت ممکن است بخاطر انواع فشارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی محل اقامت جدید، اختلافات حل نشده قبلی شدت یافته و روابط آنها شکننده‌تر از قبل و حتی منجر به طلاق شوند.

مهاجرت نه تنها یک پدیده مطلقاً منفی نیست بلکه می‌تواند از لحاظ اقتصادی و اجتماعی مفید واقع شود اما آنچه که نباید از آن غافل شد مهارت‌های روانی است. باید قبل از اقدام به مهاجرت تمام جوانب روحی و روانی و مشکلات نقل مکان را در نظر گرفته زمینه کنار آمدن خود با وضعیت مهاجرت را آسانتر ساخت.